



آقای دکتر اشاره کردند که اگر از قانون اساسی خودمان شروع کنیم، می‌شود به خیلی از اصول تمسک کرد؛ از اصل ۷۹ تا اصول متعدد دیگر. به نظرم بخشی تصریحات قانون اساسی و بخشی هم ظرفیت‌های قانون اساسی است.

اگر با این رویکرد به قانون اساسی نگاه کنیم و اصل ۷۹ که اشاره هم کردند، بله به علل سوابقی که وجود داشته حکومت نظامی مطلقاً ممنوع شده است و نسبت به این بحثی نداریم. در ادامه در حالت جنگ و شرایط اضطراری که به نظرم یکی از مصادیق آن همین شرایط کرونا است؛ قانون اساسی ترتیباتی را مشخص کرده که اگر آن نگاه سیاسی را کنار بگذاریم (شاید مبنای نگارش و پیشنهاد چنین اصلی همان باشد)، این متن مطلق است و می‌شود از آن همین برداشت را کرد؛ پس در تمام حالت‌ها با چنین وضعیت‌هایی، نه فقط مواقع سیاسی که آن هم در قسمت اول اصل تعیین تکلیف شده، حکومت نظامی ممنوع گشته و در سایر شرایط جنگ و شرایط اضطراری ترتیباتی را مشخص کرده است.

دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی به‌طور موقت؛ نه به‌صورت دائم محدودیت‌های ضروری را برقرار کند. محدودیت ضروری یعنی همین که ما در آن به سر می‌بریم. البته تا امروز بخشی از این محدودیت‌ها برداشته شده است؛ محدودیت عبور مرور، ممنوعیت کسب‌وکار، تعطیلاتی که شاهدش

لیبرال‌ترین رویکردها هم به دولت حق می‌دهند که مجاز باشد در چنین مواقعی محدودیت‌هایی بگذارد؛ زیرا ضرورت‌هایی وجود دارد به نحو دیگر جامعه اداره شود؛ ولی باز هم بر مبنای حقوق و قانون. از این شرایط باید برای مردم و به نفع مردم استفاده کنیم. می‌دانیم اصول و قواعد اوصاف و اقتضائات چنین شرایطی با اصول و قواعد و اوصاف اقتضائات شرایط عادی متفاوت است؛ ولی حقوق بخش‌ها و اجزای مختلفی را در ساختار خودش در نظام حقوقی پیش‌بینی می‌کند، یکی از این بخش‌ها ساختارها و اجزا شرایط اضطراری است.

با این مقدمه باید عرض کنم اصلاً بیراه نیست که از نظام حقوقی، قانون اساسی و قانون عادی کشور انتظار داشته باشیم برای چنین شرایطی پیش‌بینی‌هایی کرده باشد. البته بحث من در حوزه حقوق عمومی است. در حوزه حقوق خصوصی بحث‌هایی فورس‌ماژور پیش‌بینی می‌شود و چنین توقعی در حقوق خصوصی هم وجود دارد که عملاً هر روز ممکن است مردم با آن مواجه باشند. می‌توانم بگویم آن مباحث از بحث ما منصرف است؛ ولی در حوزه اجتماعی و عمومی و حکومت‌داری به‌عنوان یک آسیب و نقد بگویم گاهی حس می‌کنیم چنین انتظاری از حقوق نداریم؛ یعنی نگاه بعضی افراد این است که حقوق برای چنین شرایطی نیست و من به این دیدگاه نقد دارم. نظام حقوقی برای این شرایط هم نسخه و پیش‌بینی دارد.

در مناطق مختلف کشور که با سرعت بیشتری قانون تصویب گشت، ولی اصلاً از این ظرفیت استفاده نشد.

**طحان نظیف:** ماهیت حقوق و به تعبیر بهتر قانون، در یک نظام حقوقی اجتماعی تنظیم‌گری است؛ حقوق آمده تا با هر شرایطی به تنظیم روابط در هر اجتماعی بپردازد. به نظرم این تصور غلطی است که حقوق برای تنظیم روابط در شرایط عادی آمده است؛ زیرا در شرایط غیرعادی یا در شرایط اضطراری مفهوم مخالف این می‌شود که حقوق پاسخگو نیست و چنین گزاره‌ای صحیح نیست.

تشریفات در حقوق مهم است؛ ولی به این معنی نیست که خود حقوق تشریفاتی است و وقتی همه شرایط مطلوب و فراهم است، سراغ حقوق برویم و موقعی که افراد و جامعه دچار معضل و اشکالاتی می‌شود، برای تنظیم روابط و مسائل به دنبال چیزی جز حقوق نگردیم! قرار است حقوق در هر جامعه و در هر شرایطی تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری و برای اداره اجتماع نسخه‌پیچی کند تا وضعیت مردم در آن شرایطی که در آن قرار گرفته‌اند، بهبود یابد.

از این مقدمه می‌خواهم به نتیجه برسم که در نظام حقوقی ایران و سایر کشورها معمولاً برای شرایط خاص وضعیتی را به‌عنوان «وضعیت اضطراری» پیش‌بینی می‌کنند که دولت‌ها متناسب با سطح اضطرار و ضرورت برای اداره بهتر جامعه و مدیریت مناسب، به نفع مردم و برای مردم از آن شرایط بهره‌برداری می‌کنند. حتی در